

بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات

شرکت‌ها با استفاده از سیستم معادلات همزمان (3SLS)^۱

حسین فخاری^۲

سعید طهماسبی خورنه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

چکیده

اجتناب مالیاتی شامل مجموعه راهکارهایی است که منجر به کاهش مالیات در چارچوب قوانین و مقررات می‌شود. اجتناب مالیاتی می‌تواند بر درجه شفافیت اطلاعات شرکت اثر گذاشته و در مقابل درجه شفافیت اطلاعات شرکت نیز می‌تواند بر اجتناب مالیاتی واحد تجاری اثر بگذارد. بر این اساس تبیین ارتباط متقابل بین این رفتارها و چگونگی ارتباط بین این دو می‌تواند قابل بررسی باشد. از این رو در این تحقیق، ارتباط متقابل بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۹ انتخاب شده و با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان (3SLS) ارتباط متقابل بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا رابطه متقابل و منفی وجود دارد. این یافته‌ها می‌تواند برای سیاست‌گذاران مالیاتی از جهت تبیین چگونگی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و میزان کیفیت افشا مفید باشد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، کیفیت افشا، معادلات همزمان 3SLS

1. Three- Stage Least Squares (3SLS)

۲. دانشیار گروه حسابداری دانشگاه مازندران h733hf@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه مازندران tahmasebisaeid@ymail.com

۱- مقدمه

تلقى شرکت به عنوان مجموعه‌ای از قراردادهای سبب می‌شود تا انتظار داشته باشیم که قراردادهای متفاوت منجر به هزینه‌های متفاوت برای واحد تجاری شود (راس، ۲۰۱۰). از جمله مهم‌ترین قراردادهای، قراردادی است که واحد تجاری با سهام‌داران و دولت می‌بندد. چرا که در واقع دولت‌ها و سهام‌داران از جمله مهم‌ترین مطالبه‌کنندگان جریان‌های نقدی واحد تجاری هستند. دولت از این جهت سود قبل از مالیات واحد تجاری را مطالبه می‌کند تا مالیات خود را وضع کند و سهام‌داران از باقی‌مانده این سود و جریانات نقدی جهت کسب منافع خود استفاده می‌کنند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). بر این اساس مدیران نیز در تلاشند تا با برنامه‌ریزی فعالیت‌های واحد تجاری، هزینه مالیاتی را کم کنند (چن و همکاران، ۲۰۰۹). لذا بررسی اینکه چگونه می‌توانیم سود سهام‌داران را حداکثر کرده و در عین حال منافع دولت را حفظ کنیم، یکی از موضوعات چالش برانگیز و قابل بررسی در ادبیات مالی و حسابداری بوده است، در همین راستا اجتناب مالیاتی از جمله موضوعاتی است که به این دو مقوله مربوط می‌شود. اجتناب مالیاتی ابزاری است که مدیران در تلاشند تا با استفاده از آن از یک سو سبب کاهش سهم دولت از جریان‌های نقدی شرکت شده و از سوی دیگر منافع سهام‌داران را حداکثر کنند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶).

با قبول تئوری قراردادهای می‌توان موضوع اجتناب مالیاتی را در دو حالت بررسی کرد: حالت اول به فرض عدم وجود تضاد نمایندگی مربوط می‌شود که بر این اساس اجتناب مالیاتی ابزاری جهت حداکثر سازی ثروت سهام‌داران و ایجاد یک محیط شفاف اطلاعاتی می‌باشد. حالت دوم نیز به فرض وجود تضاد نمایندگی مربوط می‌شود که بر اساس آن اجتناب مالیاتی منجر به اعمال عدم شفافیت توسط مدیریت شده و ابهام فضای اطلاعاتی را به همراه دارد. به همین دلیل انتظار داریم در صورت وجود تضاد نمایندگی، اجتناب مالیاتی بر میزان شفافیت و درجه ابهام محیط اطلاعاتی شرکت اثر داشته و کیفیت افشای کمتری را به دنبال داشته باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۰).

از سوی دیگر افشای اطلاعات با کیفیت بالا، احتمال کشف موارد اجتناب مالیاتی را افزایش داده و از این طریق انگیزه مدیریت برای اقدام اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد و در نهایت منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود (لوبو و ژو، ۲۰۰۱).

لذا انتظار داریم مطابق با مطلب فوق درجه شفافیت پایین منجر به اجتناب مالیاتی بیشتر شود به عبارت دیگر می‌توانیم فرض کنیم که میزان شفافیت محیط اطلاعاتی که از سوی شرکت‌ها اعمال می‌شود منجر به کاهش اجتناب مالیاتی شده که مستلزم اعمال معاملات و فعالیت‌های مالی پیچیده می‌گردد.

با توجه به تئوری‌ها و مطالب فوق می‌توان احتمال وجود ارتباط متقابل دوسویه بین این دو متغیر را پیش‌بینی کرد، هرچند که تحقیقات متنوعی به بررسی رابطه یکسویه بین این دو متغیر پرداخته‌اند، اما تحقیقی که به بررسی ارتباط متقابل بین این دو متغیر به صورت همزمان بپردازد، وجود ندارد لذا تحقیق حاضر درصدد است که به بررسی رابطه متقابل بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا به صورت همزمان بپردازد. این پژوهش از دو جهت می‌تواند به ادبیات حسابداری و مالی کمک کند. اول اینکه این ارتباط دوسویه برای اولین بار مورد بررسی قرار می‌گیرد و دوم اینکه با کشف این ارتباط که اجتناب مالیاتی می‌تواند بر محیط اطلاعاتی شرکت اثر بگذارد، به تبیین یکی دیگر از عوامل اثر گذار بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها پرداخت. انتظار می‌رود که نتایج این پژوهش برای خط مشی‌گذاران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که در تلاش هستند محیط اطلاعاتی شرکت‌ها را شفاف‌تر کنند، کمک کند و همچنین به سرمایه‌گذاران کمک کند تا با پی بردن به این ارتباط، رفتار مالیاتی شرکت‌هایی که از درجه شفافیت مالی بیشتری برخوردار هستند، را ساده تر برآورد کنند.

بر همین اساس در ادامه، ابتدا مبانی نظری و تحقیقات پیشین مورد بررسی قرار گرفته و پس از طرح فرضیه‌ها، روش پژوهش بیان شده و در نهایت به تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری

اجتناب مالیاتی

تعاریف متعددی برای اجتناب مالیاتی در ادبیات حسابداری وجود دارد. هانلون و هیتزمان (۲۰۰۹) بر مبنای فرض عدم تضاد نمایندگی، اجتناب مالیاتی را "فعالیت‌هایی که مدیران در چارچوب قوانین و مقررات، مالیات خود را کاهش می‌دهند"، تعریف کرده‌اند. در واقع آن‌ها معتقدند که این نوع کاهش‌ها موجب صرفه‌جویی مالیاتی می‌گردد و باعث افزایش ارزش می‌شود و در نهایت به نفع سهام‌داران است. در دیدگاه مقابل این موضوع، آقای پاسترناک و وریکو (۲۰۰۸) در چارچوب تضاد نمایندگی، اجتناب مالیاتی را یک نوع پناهگاه مالیاتی بیان کرده و برخلاف دیدگاه قبلی معتقدند که اجتناب مالیاتی باعث ایجاد محیطی غیر شفاف شده که امکان مدیریت سود منفعت طلبی مدیران را فراهم می‌کند.

افشا و کیفیت آن

از سوی دیگر افشای اطلاعات در حسابداری به معنای ارائه اطلاعات مالی است (هندریکسن و ونبردا، ۱۹۹۲). بلکویی (۲۰۰۰)، افشا را در برگیرنده اطلاعاتی می‌داند که برای سرمایه‌گذار معمولی مفید واقع

شود و موجب گمراهی خواننده نگردد. به عبارتی دیگر، اصل افشا بدین معنی است که هیچ اطلاعات مهمی مورد توجه و علاقه سرمایه‌گذار معمولی، نباید حذف و یا پنهان شود (بلکویی، ۲۰۰۰). همچنین اصطلاحات "کیفیت" افشای اطلاعات حسابداری و "شفافیت" افشای اطلاعات با هم مترادف بوده و جایگزین یکدیگر قلمداد می‌شوند. اگرچه ارائه تعریف دقیق از "شفافیت" و "کیفیت" افشا که بر آن اجماع وجود داشته باشد دشوار است ولی هابکینز (۱۹۹۶) کیفیت افشا را سهولت مطالعه و تفسیر صورت‌های مالی توسط سرمایه‌گذاران تعریف نموده است. همچنین به عقیده کردستانی و علوی (۱۳۸۹) منظور از کیفیت افشا همان وضوح اطلاعات است. علی‌رغم وجود این تعاریف در ادبیات حسابداری چگونگی رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات حسابداری کمتر به بحث گرفته شده است.

ارتباط اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات

قبول فرض وجود مالیات در تحلیل‌های مالی این قاعده کلی را که بازارهای مالی کامل قلمداد می‌شوند را نقض کرده و سبب می‌گردد که اصولاً بازارهای مالی ناقص در نظر گرفته شوند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). بر اساس فرض ناقص بودن بازارها، مدیران می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و تامین مالی و عملیاتی خود به‌طور جداگانه بر ارزش شرکت اثر بگذارند. با در نظر گرفتن فرض دسای که مالیات را یک مسولیت اجتناب ناپذیر می‌داند، تصمیمات مالی و عملیاتی که دارای اثرات مالیاتی متفاوتی هستند و از هم جدا در نظر گرفته می‌شوند موجب کنار گذاشته شدن فرض ناقص بودن بازار می‌گردد. بر همین اساس بحث اجتناب مالیاتی و چگونگی مدیریت و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی در جهت کاهش بدهی‌های مالیاتی یکی از موضوع‌های مهم برای مدیران مالی شرکت‌ها تلقی می‌گردد. بدیهی است که اگر مزایای مالیاتی را با اجتناب مالیاتی در نظر بگیریم باید برای آن هزینه‌هایی را بپردازیم. به‌طور مثال مدیران واحدهای تجاری که درصدد انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی هستند باید متحمل هزینه‌هایی گردند. در واقع در ادبیات حسابداری این هزینه‌ها تحت عنوان هزینه ابهام یا عدم تقارن اطلاعاتی مطرح می‌شوند. به عبارتی مدیران با انجام اقدامات اجتناب مالیاتی، فضا را برای ایجاد ابهام اطلاعاتی فراهم می‌کنند (چن و همکاران، ۲۰۰۹). در ادبیات حسابداری، نظریه‌های متفاوتی در رابطه با این دیدگاه که "اجتناب مالیاتی منجر به افزایش منافع سهام‌داران می‌شود" وجود دارد. یکی از نظریه‌های کلاسیک در این رابطه بیان می‌دارد: از آنجایی که مدیران با اعمال فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، مالیات پرداختی خود را کم می‌کنند، موجب افزایش منافع سهام‌داران شده و ارزش شرکت را افزایش می‌دهند. در مقابل با قبول این که شرکت مجموعه‌ای از قراردادهاست انتظار داریم که مدیران با انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، یک محیط مبهم اطلاعاتی را

ایجاد کرده و دست به صرفه‌جویی‌های مالیاتی و رانت‌های خود زده و منفعت طلبی‌های خود را ادامه دهند (چن و همکاران، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، اجتناب مالیاتی پیچیدگی‌های معاملاتی و فعالیت‌های مالی را افزایش داده و مدیران با انجام این اقدام، مقامات مالیاتی را برای کشف پیچیدگی‌ها گمراه کرده و در نهایت این کار باعث ایجاد ابهام محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌گردد. اما در سال‌های اخیر بر خلاف دیدگاه اول که بر مبنای تئوری نمایندگی بود نتایج عده‌ای از تحقیقات عکس این قضیه را نشان داده است.

چن و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خود به این موضوع اشاره کرده‌اند که ممکن است واحدهای تجاری که اجتناب مالیاتی بیشتری دارند، افشای خود را برای از بین بردن ابهام اطلاعاتی خود بیشتر کنند. بر این اساس انتظار می‌رود مکانیزم‌هایی از قبیل حاکمیت شرکتی و ساختار فامیلی شرکت‌ها که سبب تضاد نمایندگی می‌شوند، این ارتباط معکوس را تعدیل کرده و در نتیجه اجتناب مالیاتی باعث افشای اطلاعات بیشتری گردد (چن و همکاران، ۲۰۰۹). از سوی دیگر یک سیستم افشاء مطلوب و با کیفیت می‌تواند رفتار مدیریت واحد اقتصادی را به مالکان برون‌سازمانی انعکاس دهد تا مدیریت نتواند در سایه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی منافع شخصی خود را دنبال کنند و جهت‌گیری آن فعالیت‌ها در جهت افزایش ثروت سهام‌داران انجام گیرد. همچنین به علت اینکه برنامه‌های اجتناب مالیاتی پیچیده است اگر رویدادها و مبادلات شرکت به صورت دقیق‌تر و به موقع به اطلاع سهام‌داران برسد دغدغه آن‌ها از هزینه‌های پنهان مرتبط با فعالیت‌های اجتناب مالیاتی اعم از مستقیم و غیر مستقیم کاهش می‌یابد و استقبال آنان از این عملکرد با علم به اینکه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مدیریت انتقال منابع آنان را به دولت کاهش می‌دهد کدر می‌شود (گوپتا، ۱۹۹۷؛ به نقل از حقیقت و محمدی، ۱۳۹۱).

با توجه به مبنای نظری فوق و وجود تحقیقات اندک درباره رابطه یک‌طرفه این دو متغیر، تحقیق حاضر درصدد است تا به بررسی رابطه متقابل بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد. انتظار می‌رود این پژوهش بتواند به ادبیات اجتناب مالیاتی از جهت توسعه تئوری‌ها و روش‌های پژوهش کمک کند. لذا مرور تحقیقات انجام شده و بازنگری روش‌های بکار گرفته شده در این تحقیقات می‌تواند مفید باشد.

۳- پیشینه پژوهش

علی‌رغم وجود تحقیقات گسترده در خارج کشور، در ایران تحقیقات اندکی درباره ارتباط بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا انجام شده است. همچنین تحقیقی که در داخل و خارج کشور ارتباط متقابل این دو متغیر را مورد بررسی قرار دهد وجود ندارد. بر همین مبنا در ادامه تعداد محدودی از تحقیقات مرتبط، مورد بررسی

قرار می‌گیرد.

بالاکریشن و همکاران (۲۰۱۲) به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. آنان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران به‌عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکت‌های با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند.

وانگ (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، شفافیت شرکتی، و ارزش شرکتی پرداختند. از دیدگاه او اجتناب مالیاتی باعث افزایش ارزش برای سهام‌داران می‌شود و مدیران فرصت طلب برای منافع خاص خود فرآیندهای اجتناب مالیاتی را اعمال می‌کنند. یافته‌های او نشان‌دهنده این بود که شرکت‌های با شفافیت بالا که به‌طور بالقوه هزینه نمایندگی کمتری دارند اجتناب مالیاتی بیشتری را نسبت به شرکت‌های با شفافیت پایین‌تر انجام می‌دهند.

چن و همکاران (۲۰۰۹) به مطالعه رابطه بین اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری شرکت بر مبنای تئوری نمایندگی پرداختند. این محققان از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به‌عنوان معیار شفافیت شرکت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به‌عنوان معیار اجتناب مالیاتی استفاده کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که هرچه میزان اجتناب مالیاتی بیشتر باشد، میزان ابهام در آن شرکت بیشتر بوده و از شفافیت کمتری برخوردارند.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی بر شفافیت گزارشگری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. شاخص‌های مورد استفاده برای اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری به ترتیب نرخ موثر مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی بود. نمونه آماری تحقیق شامل ۷۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ بود. نتایج این تحقیق نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تاثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری شرکت می‌شود.

حقیقت و محمدی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت و میزان توجه افراد برون‌سازمانی به اجتناب مالیاتی، پرداختند. بدین منظور نمونه‌ای متشکل از ۶۰۰ سال شرکت پذیرفته

شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره هشت ساله ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از این مطلب بود که شرکت‌های با شفافیت بالا، پتانسیل تضاد نمایندگی کمتر و اجتناب مالیاتی بیشتری را نسبت به شرکت‌های با شفافیت پایین دارند و همچنین افراد برون‌سازمانی اهمیت خاصی برای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها قائل نیستند. بنابراین در شرکت‌هایی که برنامه‌های اجتناب مالیاتی اجرا می‌شود، وجود شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

مرور تحقیقات فوق نشان می‌دهد تحقیقی که تا کنون ارتباط متقابل بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را انجام دهد وجود ندارد. بر این اساس تحقیق حاضر در صدد است که به بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی بر اساس تئوری نمایندگی بپردازد. انتظار داریم تحقیق حاضر بتواند علاوه بر آزمون تئوری نمایندگی برای توجیه ارتباط متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا در بازار سرمایه ایران به ادبیات اجتناب مالیاتی از جهت توسعه روش شناسی بررسی کمک کند.

۴- فرضیه‌های پژوهش

مطابق با تئوری هزینه نمایندگی و فرض وجود تضاد نمایندگی، انتظار داریم اجتناب مالیاتی بر درجه شفافیت اطلاعات اثر منفی بگذارد.

و همچنین از آنجایی که یک محیط اطلاعاتی غیر شفاف، فضا را برای اعمال رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت فراهم می‌کند، انتظار داریم که شفافیت پایین اطلاعات منجر به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی بیشتر توسط مدیریت گردد.

و طبق پیشینه تحقیق از آنجایی که در تحقیقات خارجی و داخلی تاکنون روابط متقابل این دو متغیر به‌طور هم‌زمان سنجیده نشده، بنابراین با توجه به این موضوعات فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

- آیا اجتناب مالیاتی بالا، کیفیت افشا اطلاعات را پایین می‌آورد.
- آیا کیفیت افشای پایین اطلاعاتی منجر به اجتناب مالیاتی بیشتر می‌گردد.
- بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا رابطه متقابل وجود دارد.

۵- روش شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ می‌باشد که برای انتخاب نمونه پژوهش به روش هدفمند استفاده شده است. برای این منظور،

شرکت‌هایی که کلیه شرایط زیر را به صورت همزمان داشته باشند جزو نمونه پژوهش قرار گرفته‌اند:

- چون ارقام مالی و حسابداری مربوط به برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مانند بانک‌ها و موسسه‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها، لیزینگ‌ها) ممکن است شامل ارقام سایر شرکت‌ها نیز باشد، این شرکت‌ها از جامعه آماری حذف گردیده‌اند. دلیل این امر، تفاوت در ماهیت فعالیت و اینکه پرتفوی دارایی‌های این گونه شرکت‌ها از سهام سایر شرکت‌های فعال در بازار بورس تشکیل شده می‌باشد
- به جهت قابل مقایسه بودن و همچنین همگنی و تعمیم نتایج، سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی آنها به طور کامل در دسترس باشد.
- طی سالهای ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۳ تغییر سال مالی نداشته‌اند.
- شرکت‌ها در پایان سال مالی سودآور باشند. با توجه به معیار اجتناب از پرداخت مالیات که از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به دست می‌آید، شرکت‌هایی انتخاب شدند که سودآور بودند.

پس از اعمال محدودیتهای فوق، ۱۰۴ شرکت برای بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، انتخاب شدند. سپس اطلاعاتی که مربوط به مبانی نظری پژوهش بودند، از منابع مختلف مانند کتب، نشریات و مقالات داخلی و خارجی که از پایگاه‌های اینترنتی یا کتابخانه‌های معتبر جمع‌آوری شده است. اطلاعات و داده‌های خام مورد نیاز شرکت‌ها به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از طریق نرم‌افزار تدبیرپرداز و وب سایت سیستم جامع اطلاع رسانی ناشران (شبکه کدال) جمع‌آوری شده است. همچنین برای برآورد آماره توصیفی و تجزیه و تحلیل و استنباط آماری، از نرم‌افزار Eviews ۸ استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل معادلات همزمان استفاده شده است. در این مدل یکی از فرضیه‌های اصلی مدل‌های سنتی که به تصادفی یا برون‌زا بودن متغیر توضیحی مربوط است، نقض می‌شود. در واقع یک متغیر درون‌زا تابعی از متغیر درون‌زای دیگر می‌شود که خود نیز به معرفی معادله دیگری نیاز دارد.

بدین ترتیب به جای یک معادله، چند معادله (سیستم معادلات) وجود دارد که این وضعیت، موجب نقض فروض روش حداقل مربعات معمولی (OLS) می‌شود. سیستم معادلات همزمان وقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که چند متغیر وابسته وجود دارد که بین آنها وابستگی متقابل برقرار است. بنابراین بایستی چند معادله یا یک سیستم معادلات برای آنها تعریف شود.

به عنوان مثال فرض کنید که رابطه بین Y_1 و Y_2 به صورت زیر باشد:

$$Y_{1t} = \alpha_1 + \beta_1 X_t + \gamma_1 Y_{2t} + u_{1t}$$

$$Y_{2t} = \alpha_2 + \beta_2 X_t + \gamma_2 Y_{1t} + u_{2t}$$

در اینجا، دو معادله همراه با دو متغیر وابسته (Y_1 و Y_2) و یک متغیر توضیحی (X) داریم، رابطه Y_1 و Y_2 دو طرفه است. ویژگی مهم معادلات فوق آن است که Y_1 و Y_2 علاوه بر این که متغیر وابسته هستند، به عنوان متغیر توضیحی نیز ظاهر شده‌اند. این بدان معناست که Y_1 و Y_2 به ترتیب تابعی از u_1 و u_2 هستند، متغیرهای تصادفی بوده که در نقش متغیر توضیحی ظاهر شده‌اند. از طرف دیگر در معادله اول Y_2 تابعی از u_1 است. در سیستم معادلات همزمان اگر از سیستم استفاده نشود فرض غیرتصادفی بودن X_1 ها نقض می‌شود. طبق معادله دوم، Y_2 تابعی از Y_1 است که Y_1 نیز به نوبه خود طبق معادله اول تابعی از u_1 است. لذا اگر u_1 از طریق Y_1 موجب تغییر Y_2 خواهد شد، بدین ترتیب تخمین زنده‌های OLS بدون تورش نخواهد بود. در معادله فوق Y_1 و Y_2 متغیرهای درون‌زا هستند، همچنین X در معادله بالا متغیرهای برون‌زا می‌باشد. با توجه به اینکه استفاده از روش OLS در الگوی معادلات همزمان منجر به برآوردهای با تورش و ناسازگار خواهد بود، به همین دلیل از روش‌های برآورد کمترین مجذورات سه مرحله‌ای (3SLS) و برآورد کمترین مجذورات دو مرحله‌ای (2SLS) استفاده می‌شود. روش (3SLS) نسبت به (2SLS) بهتر است، زیرا روش برآورد کمترین مجذورات سه مرحله‌ای (3SLS) روشی است که معادلات ساختاری یک الگوی همزمان را به صورت همزمان و یک جا در نظر گرفته و برآورد می‌نماید. دو مرحله اول این روش همانند روش برآورد کمترین مجذورات دو مرحله‌ای 2SLS می‌باشد و در مرحله سوم ماتریس وارینانس کواریانس جملات خطا نیز در محاسبه دخالت داده می‌شود.

در کاربرد سیستم معادلات همزمان، وجود دو شرط قابلیت تشخیص که شامل شرط درجه‌ای و رتبه‌ای می‌باشد ضروری است. قابلیت تشخیص یک معادله بدان معناست که آیا امکان محاسبه ضرایب فرم ساختاری با استفاده از ضرایب فرم خلاصه شده، وجود دارد یا خیر. در صورت وجود این امکان گفته می‌شود که یک معادله در یک سیستم معادلات همزمان مشخص است، در غیر این صورت معادله فوق غیر مشخص یا کمتر از حد مشخص خواهد بود. اگر معادله کمتر از حد مشخص باشد، امکان برآورد ضرایب ساختاری وجود ندارد. یک معادله مشخص نیز دقیقاً یا بیش از حد مشخص خواهد بود. اگر معادله دقیقاً مشخص باشد در این صورت امکان برآورد ضرایب ساختاری وجود دارد و جواب منحصر به فردی برای آنها وجود خواهد داشت، اما اگر معادله بیش از حد مشخص باشد، امکان برآورد ضرایب ساختاری وجود دارد ولی بیش از یک جواب برای آنها بدست می‌آید. به عبارت دیگر:

۱. اگر $K - k < m - 1$ باشد، معادله کمتر از حد مشخص خواهد بود.

۲. اگر $K - k = m - 2$ معادله دقیقاً مشخص خواهد بود.

۳. اگر $K - k > m - 3$ باشد، معادله بیش از حد مشخص خواهد بود.

که:

K : تعداد کل متغیرهای برون‌زای مدل؛

m : تعداد متغیرهای درون‌زای معرفی شده در معادله؛

k : تعداد متغیرهای برون‌زای معرفی شده در هر معادله؛

همچنین شرط رتبه‌ای نیز در صورتی تامین می‌شود که هیچ ترکیب خطی بین ضرایب متغیرهای خارج از معادله مورد نظر وجود نداشته باشد. بدین‌منظور لازم است که ماتریس ضرایب متغیرهای خارج از معادله مورد نظر تشکیل و دترمینان آن بررسی شود. برای تامین شرط رتبه‌ای لازم است که قدر مطلق دترمینان این ماتریس مخالف صفر باشد. جدول شماره یک نتایج شرط رتبه‌ای دستگاه معادلات همزمان را نشان می‌دهد.

۵-۱- مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه (۱) از مدل (۱) استفاده شده است.

$$\text{Disc}_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Tax Avoid}_{i,t} + \alpha_3 \text{Size}_{i,t} + \alpha_4 \text{Lev}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

ضریب α_1 که ضریب تاثیر اجتناب مالیاتی را بر کیفیت افشا نشان می‌دهد.

همچنین برای آزمون فرضیه دوم از مدل دو بهره گرفته شده است

$$\text{Tax Avoid}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Disc}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{Lev}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

ضریب β_1 نیز ضریب تاثیر کیفیت افشا را بر اجتناب مالیاتی می‌سنجد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

در پژوهش حاضر از روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای به‌طور همزمان (3SLS) برای سنجش روابط متقابل بین دو دسته از متغیرها شامل متغیرهای درون‌زا و برون‌زا و ابزاری استفاده شده است.

- **متغیر درون‌زا:** متغیری است که برای تعیین آن، یک معادله تعریف می‌شود و مقدار آن از حل همزمان سیستم معادلات به‌دست می‌آید.
- **متغیر برون‌زا:** متغیری است که مقدار آن خارج از سیستم معادلات تعیین می‌شود و برای تعیین مقدار آن هیچ معادله‌ای تعریف نمی‌شود.
- **متغیر ابزاری:** متغیری است که برای تخمین اثر تصادفی تعدادی از متغیرهای برون‌زا روی متغیر

درون‌زا مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش از متغیرهای برون‌زا و از قبل تعیین شده به عنوان متغیرهای ابزاری استفاده شده است (سوری، ۱۳۹۱؛ به نقل از فخاری و رجب بیگی، ۱۳۹۴).

• متغیرهای درون‌زا

اجتناب مالیاتی (Tax Avoid) به صورت کاهش قانونی و آشکار در پرداخت مالیات‌ها تعریف می‌شود. در این تحقیق به پیروی از کار پلسکو (۲۰۰۴) و دسای (۲۰۰۶) و دارماپالا (۲۰۰۹) از تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده شده است که به منظور از بین بردن اثر مقیاس، بر دارایی‌های اول دوره تقسیم گردیده است که از طریق رابطه (۳) به دست می‌آید:

$$\text{Tax avoid}_{i,t} = \left| \frac{(\text{Taxinc}_{i,t} - \text{Accinc}_{i,t})}{\text{ASS}_{i,t-1}} \right| \quad (3)$$

Tax avoid: تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت i در سال t که اقلام با مالیات‌های مقطوع از آن کسر شده است؛

Taxinc: سود حسابداری شرکت i در سال t ؛

Accinc: سود مشمول مالیات شرکت i در سال t ؛

ASS: کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$.

در پژوهش حاضر، کیفیت افشا (Disc) امتیازهای تعلق گرفته به هر شرکت است که به وسیله سازمان بورس اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه «رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب» منتشر می‌شود. امتیاز اطلاع‌رسانی ناشران، بر اساس زمان ارائه اطلاعات مربوط به پیش‌بینی درآمد هر سهم، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی نشده ۳، ۶ و ۹ ماهه، اظهار نظر حسابرس نسبت به پیش‌بینی درآمد هر سهم اولیه و ۶ ماهه، اظهار نظر حسابرس نسبت به صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای ۶ ماهه، صورت‌های مالی حسابرسی نشده پایان سال و تفاوت بین پیش‌بینی‌ها و عملکرد واقعی حسابرسی شده، محاسبه شده است. ضمناً در صورت عدم ارائه به موقع صورت‌های مالی حسابرسی شده پایان سال و زمان‌بندی پرداخت سود سهامداران، امتیاز منفی به ازای هر روز تاخیر در نظر گرفته شده است» (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۸۶). مزایا و دلایل استفاده از این معیار، سنجش کیفیت افشا به شرح زیر است:

(۱) امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌ها توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران و بر اساس شاخص‌های دقیق و عینی از قبیل زمان ارائه اطلاعات مربوط و تفاوت پیش‌بینی‌ها با نتایج واقعی محاسبه شده است. بنابراین، معیار مورد استفاده از عینیت و قابلیت اتکای کافی برخوردار است.

(۲) بر خلاف پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران، معیار مذکور

فقط به کمیت افشا توجه نمی‌کند بلکه به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده را نیز مد نظر قرار می‌دهد. (ناظمی و همکاران، ۹۴).

• متغیرهای برون‌زا

در این پژوهش، متغیر اندازه شرکت (size) به‌عنوان یکی از متغیرهای برون‌زا در نظر گرفته شده است و از لگاریتم طبیعی دارائی‌ها به‌عنوان معیاری برای کمی کردن آن استفاده می‌شود. همچنین اهرم مالی (Lev) نیز متغیر برون‌زا در نظر گرفته شده است و با تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارائی‌های شرکت محاسبه می‌شود.

۲-۵- بررسی شرط درجه‌ای معادله همزمان

جدول (۱) در مورد شرط درجه‌ای نشان می‌دهد که معادله همزمان پژوهش حاضر از نوع دقیقاً مشخص می‌باشد.

جدول (۱) - بررسی شرایط تشخیص شرط درجه‌ای سیستم معادلات همزمان

مدل	K	m	k	K - k	m - 1	تشخیص
۱	۲	۲	۱	۱	۱	$K - k = m - 1$ است، بنابراین رابطه دقیقاً مشخص خواهد بود
۲	۲	۲	۱	۱	۱	$K - k = m - 1$ است، بنابراین رابطه دقیقاً مشخص خواهد بود

منبع: یافته‌های پژوهش

۶- تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

آمار توصیفی

به‌منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه محاسبه و در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲) - آمار توصیفی

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
اجتناب مالیاتی	۰,۰۶۱۸	۰,۰۲۴۹	۰,۰۷۷۵۶۸	۰	۰,۰۹۹۷
کیفیت افشا	۰,۷۴۹۶۱۵	۰,۸۱	۱	۰,۰۷	۰,۱۸۰۸۹۱
اندازه	۶,۱۱۷۲۷۳	۶,۰۲۳۴۰۸	۸,۲۵۵۶۶۸	۴,۹۱۳۷۶۶	۰,۶۴۳۷۳۹
اهرم مالی	۰,۵۶۷۹۹	۰,۵۸۴۸۰۳	۰,۹۷۴۵۷۳	۰,۰۸۹۱۱	۰,۱۸۴۳

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که از جدول (۲) مشخص است، میانگین اجتناب مالیاتی عددی کوچکی است که بیانگر این است که شاید در شرکت‌های بورسی میزان اجتناب مالیاتی کم است. همچنین مقدار صفر اجتناب مالیاتی نشان‌دهنده شرکت‌هایی از نمونه است که بین سود حسابداری و سود مشمول مالیاتی آن‌ها تفاوتی وجود نداشته است. میانگین کیفیت افشا و انحراف معیار آن به ترتیب ۰,۷۵ و ۰,۱۸ است که بیانگر این نکته است که در شرکت‌های ایرانی میزان شفافیت در گزارشگری مالی کمتر از حد میانه ۰,۸۱ است. همچنین بیشترین پراکندگی با توجه به انحراف معیار، مربوط به اندازه شرکت است که این مطلب را می‌رساند که شرکت‌های نمونه از اندازه‌های متنوعی برخوردارند و از آنجایی که کمترین پراکندگی مربوط به اجتناب مالیاتی است، می‌توان دریافت که اکثر شرکت‌های بورسی درگیر اجتناب مالیاتی هستند.

همبستگی بین متغیرها

مطالعه همبستگی، ابزاری آماری است که بوسیله آن می‌توان درجه‌ای را که یک متغیر با متغیر دیگر از نظر خطی مرتبط می‌شود، اندازه‌گیری کرد. در یک سیستم معادلات همزمان چنانچه همبستگی بین متغیرهای برون‌زا (در این تحقیق، اندازه و اهرم مالی) زیاد باشد، ممکن است منجر به مخدوش شدن نتایج شود. منظور از همبستگی بالا، همبستگی شدید یعنی بیش از ۵۰ درصد می‌باشد. همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین متغیرهای برون‌زا همبستگی بیشتر از ۵۰ درصد وجود ندارد و همچنین آماره VIF نشان می‌دهد که بین متغیرها هم خطی وجود ندارد.

جدول (۳) - همبستگی بین متغیرها

متغیر	اجتناب مالیاتی	کیفیت افشا	اندازه	اهرم مالی	VIF
اجتناب مالیاتی	۱	-	-	-	۱,۳۳
کیفیت افشا	-۰,۰۳۶۹	۱	-	-	۱,۰۶۱
اندازه	۰,۱۲۳۶	-۰,۱۲۸۸	۱	-	۱,۰۲۶
اهرم مالی	-۰,۳۴۴۶	-۰,۱۹۳۵	-۰,۰۶۷۴	۱	۱,۰۴۸

منبع: یافته‌های پژوهش

آمار استنباطی

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از سیستم معادلات همزمان استفاده شده است، یعنی رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا به صورت متقابل مورد تحلیل قرار گرفته است که نتایج به دست آمده از حل معادلات همزمان در جداول ۴ و ۵ ارائه شده است. همانطور که در جدول ۴ و ۵ مشاهده می‌شود بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا رابطه منفی و معناداری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. ضریب اجتناب مالیاتی در معادله اول ۰,۱۶۰۸- است که نشان می‌دهد که با افزایش اجتناب مالیاتی، کیفیت افشای اطلاعاتی واحدهای تجاری کاهش می‌یابد. همچنین نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که اندازه شرکت بر کیفیت افشا تاثیر منفی و معناداری با ضریب ۰,۰۴۰۹- دارد. یعنی با بزرگ شدن شرکت‌ها، کیفیت افشای اطلاعات کاهش می‌یابد. همچنین اهرم مالی نیز تاثیر منفی و معناداری بر کیفیت افشای شرکتی دارد. ضریب ۰,۲۲۲۶- بیانگر این است که با افزایش نسبت بدهی، کیفیت افشای اطلاعات نیز پایین می‌آید.

همچنین نتایج مندرج در جدول ۵ نمایانگر تاثیر منفی و معنادار کیفیت افشای اطلاعات بر اجتناب مالیاتی است. یعنی با کاهش کیفیت اطلاعات شرکت‌ها، زمینه لازم برای فعالیت‌های جسورانه مالیاتی مدیران و ترفندهای فرصت طلبانه آنان افزایش می‌یابد و ضریب تاثیر آن ۰,۰۵۰۶- است. همچنین نتایج، بیانگر تاثیر مثبت و معنادار اندازه شرکت با ضریب تاثیر ۰,۰۱۷۸+ بر اجتناب مالیاتی است؛ یعنی با بزرگ شدن شرکت‌های بورسی، به تناسب، اجتناب مالیاتی نیز بیشتر می‌گردد. اما اهرم مالی تاثیر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. به عبارتی دیگر با افزایش نسبت بدهی اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی کاهش می‌یابد. همچنین آماره دوربین واتسون معادله اول ۱,۹۸ و معادله دوم ۱,۹۹ است که از آنجایی که بین ۱,۵ تا ۲,۵ است، نشان دهنده عدم وجود مشکل خودهمبستگی بوده و قابل قبول می‌باشند.

جدول (۴) - برآورد معادله کیفیت افشا

متغیر وابسته: کیفیت افشا				
معنی‌داری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
۰,۰۰۰۰	۱۴,۵۲۳۳	۰,۰۷۸۲	۱,۱۳۶۹	مقدار ثابت
۰,۰۳۷۲	-۲,۷۶۸	۰,۰۷۷۰	-۰,۱۶۰۸	اجتناب مالیاتی
۰,۰۰۰۶	-۳,۴۲۴۹	۰,۰۱۱۹	-۰,۰۴۰۹	اندازه
۰,۰۰۰۰	-۵,۱۳۳۲	۰,۰۴۳۳	-۰,۲۲۲۶	اهرم مالی
۰,۰۶۸۶	ضریب تعیین		۱,۹۸۴۲	دوربین واتسون

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۵) - برآورد معادله اجتناب مالیاتی

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی				
معنی‌داری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
۰,۰۸۴۶	۱,۷۲۶۴	۰,۰۵۱۰	۰,۰۸۸۰	مقدار ثابت
۰,۰۴۱۱	-۲,۰۴۵۱	۰,۰۲۴۷	-۰,۰۵۰۶	کیفیت افشا
۰,۰۰۶۵	۲,۷۲۵۶	۰,۰۰۶۵	۰,۰۱۷۸	اندازه
۰,۰۰۰۰	-۷,۸۱۹۳	۰,۰۲۳۷	-۰,۱۸۵۶	اهرم مالی
۰,۲۴۸۴	ضریب تعیین		۱,۹۹۳۳	دوربین واتسون

منبع: یافته‌های پژوهش

۷- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

اجتناب مالیاتی به مجموعه فعالیت‌ها در چارچوب قوانین و مقررات اطلاق می‌شود که مدیران درصددند با توسل به آن‌ها مالیات پرداختی خود را کاهش دهند تا از این طریق از خروج وجه نقد از شرکت جلوگیری کنند و در نهایت باعث افزایش ارزش شرکت شوند. قدر مسلم این فرآیند می‌تواند محیط اطلاعاتی شرکت را تحت تاثیر قرار دهد و با پنهان کاری و کتمان واقعیت‌ها منجر به کاهش شفافیت و کیفیت افشا شود و یک شکاف اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان درون سازمانی و برون سازمانی ایجاد کند.

از سوی دیگر کیفیت پایین اطلاعات افشا شده می‌تواند زمینه لازم را برای انجام معاملات و فعالیت‌های پیچیده شرکتی فراهم نموده و از این طریق مدیران دست به انجام فعالیت‌های جسورانه مالیاتی و اعمال فرصت‌طلبانه خود در جهت دستیابی به منافع زده و به اینگونه کیفیت پایین اطلاعات، اجتناب مالیاتی را افزایش دهد. بر اساس چنین ارتباط همزمانی، در این پژوهش به بررسی رابطه متقابل بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های بورسی از طریق رگرسیون معادلات همزمان 3SLS پرداخته شده است. به این منظور از تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات به‌عنوان معیار اجتناب مالیاتی و نمره افشای سازمان بورس اوراق بهادار به‌عنوان معیار کیفیت افشای اطلاعات استفاده شده است. تجزیه و تحلیل نتایج نشان می‌دهد که بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یعنی در شرکت‌های ایرانی با افزایش اجتناب مالیاتی، کیفیت افشای اطلاعات کاهش می‌یابد و بالعکس. در توجیه این ارتباط می‌توان گفت که مدیران شرکت‌هایی که دست به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌زنند با اعمال معاملات و فعالیت‌های پیچیده، فضای اطلاعاتی واحد تجاری را مبهم کرده و سعی در گمراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌نمایند. از طرف دیگر نیز کیفیت بالای افشای اطلاعاتی زمینه لازم را برای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی که توسط مدیران اعمال می‌شود را محدود می‌نماید. به‌عبارت دیگر برای اعمال استراتژی‌های جسورانه مالیاتی، یک فضای مبهم اطلاعاتی لازم است تا با این ترفند زمینه لازم برای اقدامات فرصت‌طلبانه مدیریت فراهم گردد. چرا که یک فضای اطلاعاتی شفاف مانع اجتناب مالیاتی می‌گردد.

یافته‌های این پژوهش نشان داده است که اجتناب مالیاتی با کیفیت افشا ارتباط متقابلی داشته است و می‌توان با آگاهی از یکی به چگونگی تغییرات دیگری پی برد. در مطالعه تطبیقی انجام شده با توجه به تحقیقات گذشته ملاحظه شد که یافته‌های این پژوهش با یافته‌های چن و همکاران (۲۰۰۹)، بالاکریشنان و همکاران (۲۰۱۲) و پورحیدری و همکاران (۱۳۹۲) که به‌صورت یک‌طرفه اثر فعالیت‌های جسورانه مالیاتی را بر شفافیت گزارشگری به‌عنوان معیار کیفیت گزارشگری مورد بررسی قرار داده بودند همخوانی دارد اما با پژوهش حقیقت و محمدی (۱۳۹۲) و وانگ (۲۰۱۱) که به بررسی رابطه یک‌طرفه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی پرداختند همخوانی ندارد. احتمال می‌رود که تفاوت یافته‌ها به تفاوت در روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مربوط باشد چرا که هر یک از مطالعات قبلی تنها به صورت یک طرفه به ارتباط بین متغیرها پرداخته بودند در حالی که از نظر مفهومی ارتباط متقابلی بین این دو متغیر موجود می‌باشد و وجود ارتباط منفی متقابل بین متغیرها مطابق با تئوری نمایندگی از استدلال تئوریک بیشتری برخوردار است.

ارائه پیشنهادات

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

۱. به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود تا در خرید خود به میزان کیفیت افشای شرکتی توجه کنند چون عدم رعایت کیفیت افشا می‌تواند با اجتناب مالیاتی همراه بوده که در نهایت بر ارزش آینده شرکت اثر خواهد گذاشت.

۲. همچنین دولت می‌تواند با آگاهی از کشف ارتباط متقابل بین کیفیت افشا و میزان اجتناب مالیاتی در مورد وصول درآمد مالیاتی خود پیش‌بینی و قضاوت کند.

در این پژوهش به بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده یک رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات می‌باشد. در این راستا برای تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی
- بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت سود
- بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و مدیریت سود

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگری دارای محدودیت‌هایی است که باعث می‌شود تا نتایج آن با احتیاط بیان شده و لازم است خواننده در زمان تفسیر نتایج و تعمیم‌دهی به آن‌ها توجه نمایند. این پژوهش دارای برخی محدودیت‌های ذاتی و همچنین محدودیت‌های ناشی از شرایط مکانی و زمانی بوده که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

- در انتخاب نمونه‌ها شرایط خاص اعمال گردیده که در تعمیم‌دهی نتایج به سایر شرکت‌ها، باید جانب احتیاط رعایت شود.
- کیفیت افشاء هر ساله چهار بار برای دوره‌های سه ماهه منتهی به ۳/۳۱، ۶/۳۱، ۹/۳۰، ۱۲/۲۹ توسط سازمان بورس اعلام شده است، که در این پژوهش فقط نمره مربوط به ۱۲/۲۹ لحاظ شده است که می‌تواند در کسب شواهد دقیق‌تر محدودیت ایجاد کند.
- شرکت‌های که برای نمونه آماری انتخاب شده‌اند، درآمد مشمول مالیات آن‌ها باید منفی و صفر نباشد که این امر موجب کاهش حجم نمونه آماری شده است.

فهرست منابع

۱. پورحیدری، امید؛ فدوی، محمد حسن و امینی نیا، میثم (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۸۵-۶۹.
۲. حقیقت، حمید و محمدی، محمد حسن (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت افشا و ارزش شرکت، مطالعات کمی در مدیریت، سال چهارم، شماره یک، صص ۲۲۸-۲۰۹.
۳. کردستانی، غلامرضا و علوی سیدمصطفی (۱۳۹۰)، بررسی شفافیت سود حسابداری بر هزینه سرمایه سهام عادی، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۶۱-۴۳.
۴. فخاری، حسین و رجب بیگی، محمد علی (۱۳۹۴)، مطالعه رابطه متقابل بین جریان نقدی آزاد، خطامشی تقسیم سود و بدهی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی سال هفتم شماره دوم، صص ۹۲-۷۳.
۵. مجتهدزاده، ویدا و میرزایی، ابوحمزه (۱۳۹۴)، تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره سوم، ۲۱-۱.
6. Balakrishnan, K., Blouin, J. L., & Guay, W. R. (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency?. Available at SSRN 1792783.
7. Blaylock, B., Shevlin, T., & Wilson, R. J. (2011). Tax Avoidance, Large positive Temporary Book-tax Differences, and Earnings Persistence. *The Accounting Review*, 87(1), 91-120.
8. Chen, Y., Huang, S., Pereira, R., & Wang, J. (2011). Corporate tax avoidance and Firm Opacity. Unpublished Working Paper University of Missouri.
9. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate Tax Avoidance and High-powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
10. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Earnings Management, Corporate Tax Shelters, and Book-tax Alignment. *National Tax Journal*, 169-186.
11. Diamond, D. W., & Verrecchia, R. E. (1991). Disclosure, Liquidity, and the Cost

- of Capital. *The Journal of Finance*, 46(4), 1325-1359.
12. Frank, M. M., Lynch, L. J., & Rego, S. O. (2009). Tax Reporting Aggressiveness and its Relation to Aggressive Financial Reporting. *The Accounting Review*, 84(2), 467-496.
13. Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.
14. Hendriksen, E. S., & Van Breda, M. F. (1992). *Accounting Theory*, Burr Ridge, IL: Irwin. Hoover's Most Viewed Company Directory by Country Retrieved from <http://www.hoovers.com/free/mvc/country.xhtml>.
15. Hendriksen, E.S. and Van Breda, M.F, *Accounting Theory*, 1992. 5th edition, United States of America: IRWIN.Inc.
16. Hillier, D. J., Ross, S. A., Westerfield, R. W., Jaffe, J., & Jordan, B. D. (2010). *Corporate finance* (No. 1st Eu). McGraw-Hill.
17. Hopkins, P. E. (1996). The Effect of Financial Statement Classification of Hybrid Financial Instruments on Financial Analysts' Stock Price Judgments. *Journal of Accounting research*, 33-50.
18. Kothari, S. P. (2000, June). The Role of Financial Reporting in Reducing Financial Risks in the Market. In *Conference Series-Federal Reserve Bank of Boston* (Vol. 44, pp. 89-102). Federal Reserve Bank of Boston; 1998.
19. Lobo, G. J., & Zhou, J. (2001). Disclosure Quality and Earnings Management. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 8(1), 1-20.
20. Lobo, G. J., & Zhou, J. (2001). Disclosure Quality and Earnings Management. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 8(1), 1-20.
21. Pasternak, M., & Rico, C. (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis. *Akron Tax J.*, 23, 33-143.
22. Pasternak, M., & Rico, C. (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis. *Akron Tax J.*, 23, 33-143.

23. Pownall, G., & Schipper, K. (1999). Implications of Accounting Research for the SEC's Consideration of International Accounting Standards for US Securities Offerings. *Accounting Horizons*, 13(3), 259-280.
24. Wang, X. (2011, August). Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. In 2011 American Accounting Association Annual Meeting-Tax Concurrent Sessions.